

## ولی فقیه در جامهء وحشت و هراس

سفر خامنه ای به قم که از ماهها پیش توسط بالاترین مسئولان نظامی دستگاه ولایتی و مجموعهء گماشتگان او که از فردای 22 خرداد 88 مسئولیت کشتار توده های معترض و سرکوب جنبش نوین مردمی را با نظارت مستقیم خامنه ای به عهده گرفتند، برنامه ریزی شده بود، بالاخره انجام گرفت.

از استقرار زبده ترین نیروهای سرکوبگر در سطح شهر قم و دایره وسیعی از حومه آن، تعطیلی اجباری کلیه مغازه های کسبه شهر و ادارات آن، آذین بندی های "شاهانه"، گل باران مسیر عبور و تابلوهای "یا امام خامنه ای!" که بگذریم، علیرغم کلیه تلاشها و تهدیدات ماموران امنیتی، هیچکدام از "مراجع تقلید!" حاضر به استقبال از ولی فقیه حاکم مطلق، نشدند. امری که اولین شکست تدارکات این سفر شیطانی را رقم زد.

در کنار بسیج گسترده نیروهای جیره گیر، استقبال سرد مردم قم از این برنامه از نکات قابل توجه این سفر بودند. «استقبال از خامنه ای در قم آنچنان کم رنگ بود که حتی اجباری کردن حضور در مراسم برای تمامی کارمندان دولت، استفاده از سربازهای داخل پادگان ها و تعطیل نمودن دانشگاه ها و حوزه علمیه نیز نتوانست آنگونه که باید خواسته حکومت را برآورده کند. تمام خبرگزاری های وابسته حکومت نظیر فارس، مهر، ایسنا و ایرنا تنها به انتشار 4 یا 5 عکس مشترک پرداختند که در آن به وضوح تعداد کم استقبال کنندگان و حضور دانش آموزان دبستانی مشخص است.» (خبرگزاری فرانسه)

ولی فقیه نظام در چنین فضائی سخنان خود را آغاز کرد. «لکنت های زبانی» و «تیق های کلامی» او بیشتر از همیشه بود، مواردی که طبیعتاً متن آنها از مدتها پیش تهیه شده بودند، با دستپاچگی و تیتروار مطرح شدند. خامنه ای که با جامه "ولی فقیه" وارد قم شده است و قصد دارد در هیئت "مرجع عام و خلیفه مسلمین جهان!" از آن خارج شود، علیرغم آن که می خواست همه را به اطاعت امر فرا بخواند و خود را قوی تر و مسلط تر از همیشه نشان دهد، اما نه تنها نتوانست از عهده ی این کار برآید بلکه مشخص بود که او با همه ی قوای نظامی و انتظامی خود نتوانسته است بر «اضطراب و هراسی» که بر ذهن او حاکم است، چیره شود و چهره ی بزرگ کرده ی او هم قادر نبود آن را پنهان کند.

«چهره ی امروز خامنه ای حامل **عصبانیت و اضطرابی** بود که سعی می کرد خود را با **لباس تهدید** بپوشاند و سخنرانی او یکی از عجولانه ترین و بی سامان ترین سخنرانی هایی بود که تا کنون از او شنیده شده بود تا جایی که از فرط هراس فراموش کرد که باید روز میلاد امام هشتم را به حصار تبریک بگوید!» (گزارشی از قم)

سخنان خامنه ای اعتراف مشخص و آشکار به نقش شخص او در "فرماندهی" کشتار و شکنجه توده های مردم و نیروهای آزادیخواه و چپاول و غارت مملکت از یکسو و نیز "سقوط ایدئولوژیک" نظام ولی فقیه از سوی دیگر، تلقی می گردند. عمده ترین محورهای این سخنان را می توان در سه بخش بر شمرد:

### "میکرهای سیاسی - اجتماعی":

ولی فقیه، عناصر تشکیل دهنده جنبش نوین مردمی را به "میکرهای سیاسی - اجتماعی" تشبیه نمود و بدین ترتیب مهر تایید بر تمامی جنایاتی که پس از 22 خرداد 88 انجام گرفته و همچنان ادامه دارند، زد. از دیدگاه حاکم مطلق نظام استبداد مذهبی، توده های آزادیخواه - همان میکرها! - را باید در خیابانها به گلوله بست، باید مورد تجاوز قرار داد، می بایست شدیدترین شکنجه های قرون وسطائی را در موردشان اجرا نمود، باید دستگیر نمود و در یک کلام باید نابودشان کرد.

از این منظر، گرچه نمی بایست مسئولیت گماشتگان خامنه ای را در جنایات انجام شده نادیده گرفت، اما نقش اساسی - بنا به اقرار خود او - بر عهده رهبر نظام می باشد و بهمین دلیل نیز "مرگ بر ولایت فقیه" مناسب ترین شعار جنبش نوین مردمی است.

### "واکسینه شدن نظام":

خامنه ای بسان تمامی دیکتاتورهای تاریخ، حقایق را وارونه می نگرد، واقعیات را برعکس می بیند و شرایط را بر اساس "آرزوها و توهمات" خود تشریح میکند. «فتنه 88 کشور را واکسینه کرد!» (خبرگزاری ایلنا - 27 مهر 89). این عینکی است که ولی فقیه نظام جهان را با آن می بیند. جز او و گماشتگان دارالخلافه، چه کسی است که نداند "جنبش نوین مردمی" با سه دستاورد

عمده خود، نظام حاکم را به مرحله سرنگونی رسانده است. این دستاوردها عبارتند از:

### فروپاشی بنیادهای ایدئولوژیک دستگاه ولایت فقیه

#### فقدان پشتوانه مردمی

#### عدم مشروعیت نظام

مفهوم "واکسینه شدن نظام" در قاموس خامنه ای همانا تصور او در خاموش کردن شعله های جنبش مردمی به ضرب اعدام و شکنجه و زندان است. او ساده لوحانه می اندیشد که توانسته است با یاری "سپاهیان فاسد و وطن فروش خود" بالهای جنبش را بشکند و آنرا نابود نماید! اما واقعیت این است که توده های مردمی، دانشجویان، روشنفکران و اقشار مختلف در اتحادی تاریخی پایه های جنبشی را بنا نهاده اند که از توانائی لازم در تشخیص شرایط و تغییر روشها و متدهای مبارزاتی متناسب با هر مقطعی را کسب کرده است، و از اینرو نیز فنا ناپذیر می باشد.

### "اسلام منهای روحانیت":

نزدیک به 35 سال پیش، شریعتی با طرح تز "اسلام منهای روحانیت" آلترناتیو ایدئولوژیک اسلام ارتجاعی را تئوریزه کرده و به جامعه ایران معرفی نمود. اندیشه شریعتی بمثابه یک "خط فکری" تنها مجموعه مدونی است که توانسته است - و می تواند - در ابعاد عظیمی در افکار اقدشار مختلف مردمی وارد شده و اسلام ارتجاعی و اندیشه های عقب مانده را از ذهن و روح آنان بزدايد. این واقعیت را ولی فقیه نیز درک کرده است.

روحانیت همواره در هراس از اندیشه شریعتی بسر برده است. مطهری در نامه ای که برای کسب تکلیف به خمینی ارسال داشت نوشت: «کوچکترین گناه این مرد بدنام کردن روحانیت است. او همکاری روحانیت یا دستگاههای ظلم و زور علیه توده مردم را به صورت یک اصل کلی اجتماعی در آورد. مدعی شد که ملک و مالک و ملا، و به تعبیر دیگر تیغ و طلا و تسبیح همیشه در کنار هم بوده و یک مقصد داشته‌اند.» (کتاب سیری در زندگانی استاد مطهری - انتشارات صدرا)

در راستای همین هراس، خامنه ای بسان اسلاف خود، مطهری و خمینی، به "خطر" تز اسلام منهای روحانیت (بعنوان یکی از محورهای عمده سخنانش) اشاره کرده و آنرا "توطئه دشمنان" دانست: «دو نکته اساسی را در باب دین **دشمنان** دارند دنبال میکنند. چون دیده اند که **این دو نقطه چقدر تاثیرگذار است در زندگی ما. یکی مسأله اسلام منهای روحانیت**، چون دیده اند که روحانیت در جامعه ایرانی چه تاثیر شگرفی را به وجود آورد و بر حرکت مردم گذاشت. **بحث اسلام منهای روحانیت البته از قبل از انقلاب هم این زمره ها را میکردند**، حضور روحانیان در انقلابو پیشروی آنها در انقلاب، موقتاً این معنا را در صحنه خارج کرد، باز شروع کردند، یکی اینه. مسأله اسلام منهای روحانیت، یکی اسلام منهای سیاست. جدایی دین از سیاست. از جمله چیزهایی است که امروز دارند با اصرار فراوان در مطبوعات در نوشته جات در مسائل اینترنتی، اینها را دارند ترویج میکنند. مسأله برای اونها، اهمیت دارد. (تلویزیون رژیم - شبکه خبر) - تاکیدات از نگارنده است.

جنبش نوین ملی ایران راه خود را تا سرنگونی رژیم ولایت فقیه و جایگزینی آن با "جمهوری ایران" ادامه خواهد داد. در این مسیر اندیشه شریعتی بعنوان "تنها" آلترناتیو اسلام ارتجاعی نقش آگاهی بخش خود را همچنان ایفاء خواهد نمود. رهروان این خط نیز، در ادامه رسالت تاریخی خود، در کنار و پا بپای این جنبش تا نیل به هدف نهائی پیش خواهند رفت.

فرهاد اسلامی

بیست و هفتم مهرماه 1389

[a.farhadeslami@gmail.com](mailto:a.farhadeslami@gmail.com)

منبع: [www.kanooneblagh.org](http://www.kanooneblagh.org)